



Research paper

Examining the Relationship Between Islamic Teachings and Economic Growth with Reference to the Economic Thought of Ayatollah Khamenei

Mohammad Bagher Shirmehneji

PhD student at the University of Mazandaran, Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding author).

mbshirmehneji@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Mohammad Javad Noor Ahmadi

Associate Professor, Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

mjnourahmadi@atu.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Alireza Pourfaraj

Professor, Department of Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

a.pourfaraj@umz.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Abstract

This article, employing a systematic review methodology, examines the relationship between Islamic teachings and economic growth. In explicating perspectives on economic growth among Islamic leaders, it analyzes the views of Ayatollah Khamenei in this regard. Accordingly, through reviewing and analyzing various viewpoints—supportive, critical, and those advanced by Muslim economists—concerning the relationship between Islam and economic growth, the study explores the theoretical foundations and relevant evidence pertaining to this issue. The findings of the systematic review of the relevant literature indicate that Islamic teachings, by providing individual moral motivation, transparent institutional structures, and Sharia-compliant financial rules, create a suitable foundation for sustainable and balanced economic growth. The analysis of Ayatollah Khamenei's thought, as a practical instance of applying Islamic teachings in economic policymaking, demonstrates that through reliance on the concept of the "Resistance Economy" and emphasis on pillars such as endogenous development, justice-orientation, knowledge-based production, and public participation, he offers a strategic and operational framework for the realization of Islamic economic growth. The results of this research indicate that Islamic teachings are not only theoretically compatible with the objectives of economic growth but can also, at the level of implementation, serve as an effective basis for development-oriented policymaking. Based on the available evidence and arguments, Islamic teachings and Ayatollah Khamenei's thought not only facilitate economic growth but explicitly emphasize it.

Keywords: Islam and development; Islamic teachings; Economic growth; Ayatollah Khamenei.



مقاله پژوهشی

واکاوی رابطه آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی با نگاهی بر اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای

محمد باقر شبیرمهنجی

دانش آموخته دکتری دانشگاه مازندران، مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

mbshirmehenji@gmail.com

0000-0000-0000-0000

محمد جواد نوراحمدی

دانشیار گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

mjnourahmadi@atu.ac.ir

0000-0000-0000-0000

علیرضا پورفرج

استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

a.pourfaraj@umz.ac.ir

0000-0000-0000-0000

چکیده:

این مقاله با روش مرور نظام‌مند به بررسی رابطه آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی می‌پردازد و در تبیین دیدگاه‌های معطوف به رشد اقتصادی در رهبران اسلامی، به بررسی آرای آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌پردازد؛ در این راستا، ضمن مرور و تحلیل دیدگاه‌های مختلف (موافق، مخالف و دیدگاه اقتصاددانان مسلمان) در مورد رابطه اسلام و رشد اقتصادی، به بررسی مبانی نظری و شواهد مرتبط با این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های مرور نظام‌مند مطالعات مربوط به موضوع نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی از طریق فراهم‌سازی انگیزش اخلاقی فردی، ساختارهای نهادی شفاف و قواعد مالی منطبق با شریعت، بستر مناسبی برای رشد پایدار و متوازن ایجاد می‌کنند. تحلیل اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌عنوان نمونه عملی از اعمال آموزه‌های اسلامی در سیاست‌گذاری اقتصادی، نشان داد که ایشان با تکیه بر مفهوم «اقتصاد مقاومتی» و تأکید بر ارکانی چون درون‌زایی، عدالت‌محوری، دانش‌بنیانی و مشارکت مردمی، چارچوبی راهبردی و عملی برای تحقق رشد اقتصادی اسلامی ارائه می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نه تنها آموزه‌های اسلامی در سطح نظری با اهداف رشد اقتصادی سازگار هستند، بلکه در سطح عمل و اجرا نیز می‌توانند مبنای سیاست‌گذاری‌های کارآمد برای توسعه قرار گیرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس شواهد و استدلال‌های موجود، آموزه‌های اسلامی و سیره آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها قابلیت رشد اقتصادی را مهیا می‌کنند بلکه بر آن تأکید دارند.

واژگان اصلی: اسلام و توسعه، آموزه‌های اسلامی، رشد اقتصادی، آیت‌الله خامنه‌ای.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.



نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.521505.1133

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب‌امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

در دنیای امروز، رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهای مختلف مطرح است. این موضوع نه‌تنها به تأمین رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند، بلکه به ثبات سیاسی و اجتماعی نیز منجر می‌شود. در این راستا، بررسی تأثیرات و نسبت‌های میان اصول اسلامی و رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسلام به‌عنوان یک دین جامع، نه‌تنها راهکارهای اخلاقی و اجتماعی را ارائه می‌دهد، بلکه در زمینه‌های اقتصادی نیز دارای آموزه‌هایی است که می‌تواند به توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع کمک کند؛ با این وجود رابطه اسلام با رشد اقتصادی، همواره به لحاظ نظری مورد مناقشه بوده است. از زمانی که غرب به هژمون اقتصادی تبدیل شد، این مسئله مطرح می‌شد که آیا ادیان و مذاهب غیر غربی با رشد اقتصادی در تضاد هستند یا خیر. در این زمینه، توجه ویژه‌ای به اسلام - که در حال حاضر سریع‌ترین دین در حال رشد جهان است - شده است (فردیلا و همکاران، ۲۰۲۰).

بخشی از ادبیات دانشگاهی، نگرشی انتقادی نسبت به نقش اسلام در رشد اقتصادی ارائه می‌دهد و نظام اعتقادی آن را محیطی می‌داند که قادر به ایجاد پیشرفت اجتماعی-اقتصادی نیست و در مقابل آن ادبیات مفصلی وجود دارد که به ادعاهای ضد رشد بودن اسلام پاسخ می‌دهد. ادبیات مربوط به ضد رشد بودن اسلام با تشریح وضعیت رشد اقتصادی کشورهای مسلمان، نظام‌های اسلامی و به‌تبع آن مبانی فکری رهبران اسلامی را سنت‌گرا و ضد رشد می‌داند؛ درحالی‌که آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر اهمیت پیشرفت و توسعه اقتصادی ایران اسلامی تأکید داشته‌اند. ایشان با طرح مفهوم «اقتصاد مقاومتی» و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق آن، کوشیده‌اند تا راهکارهایی متناسب با شرایط کشور را برای رشد اقتصادی پایدار و متوازن ارائه دهند. در این مطالعه، پس از بررسی نظریات مختلف درباره رابطه آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی، به تحلیل اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم. هدف از این بررسی، نشان دادن چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در نگرش عملی یک رهبر مسلمان نسبت به رشد اقتصادی است. بدین ترتیب، مطالعه حاضر نه‌تنها جنبه نظری رابطه اسلام و رشد اقتصادی را بررسی می‌کند، بلکه با

تحلیل بیانات و سیاست‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای، نمونه‌ای عملی از اعمال این آموزه‌ها در سیاست‌گذاری اقتصادی ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر با بررسی نظام‌مند ادبیات به دنبال پاسخ به این سؤالات است که از منظر اندیشمندان اقتصادی، رابطه اسلام و رشد اقتصادی چگونه است؟ در اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای، رشد اقتصادی چه جایگاهی دارد؟

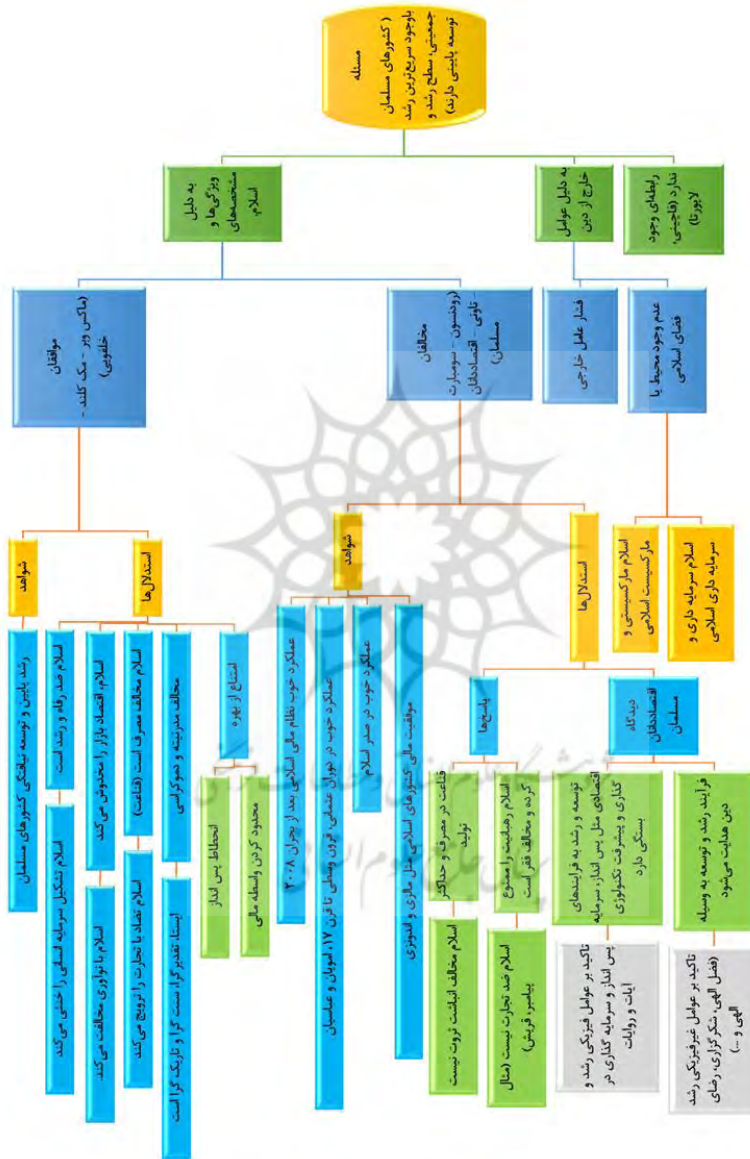
۱. مبانی نظری

با توجه به فضایی که در مقدمه برای ارتباط اسلام و رشد اقتصادی مشخص شد، ضرورت دارد نظریات مربوط رشد/ضد رشد بودن اسلام مورد بررسی قرار گیرند که بخش اول مبانی نظری به آن اختصاص دارد.

۱.۱. جریان‌های فکری مرتبط با اسلام و رشد اقتصادی

ادبیات نظری مربوط به این موضوع به سه جریان فکری تقسیم می‌شود. اولین خط فکری به نفع اسلام به‌عنوان محور توسعه اقتصادی است. این دیدگاه متکی بر دوران باشکوه جهان اسلام، موفقیت برخی از کشورهای اسلامی مانند اندونزی و مالزی که رشدهای مناسبی داشتند و در نهایت، موفقیت خیره‌کننده بانک‌های اسلامی در زمینه بسیج پس‌اندازها و ایجاد تنوع در ریسک‌ها است (کوران، ۱۹۸۴، هانی، ۲۰۰۵، نولند، ۲۰۰۷، بندوریش، ۲۰۲۰، سوواجت، ۱۹۸۴ و گاردت، ۱۹۷۰). دیدگاه دوم مخالف اسلام است و آن را ضد سرمایه‌داری، ضد بازار، ایستا و استبدادی توصیف می‌کند که مرتبط با تقدیرگرایی، تاریک‌گرایی (مخالفت با روشنفکری) و سنت‌گرایی است. بر اساس وضعیت اقتصادی، اجتماعی و نهادی کشورهای مسلمان در چند دهه گذشته نتیجه می‌گیرند که اسلام برای توسعه و نوسازی اقتصادی نامطلوب است (مکلند، ۱۹۶۱، وبر ۲۰۰۳، بریان و تورنر، ۱۹۷۸، پریور ۱۹۸۵، گوسیو و همکاران، ۲۰۰۳، خالفاو و گونیچی، ۲۰۲۲). دیدگاه سوم توسط بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی که شواهد قانع‌کننده‌ای از ارتباط مستقیم بین اسلام و توسعه اقتصادی نیافته‌اند، مشترک است (فچینی، ۲۰۰۷، لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۷). بر اساس فرآیند مرور نظام‌مند که در بخش روش‌شناسی مقاله تشریح می‌شود،

مرور نظام‌مند مقالات منتخب منجر به شناسایی سه جریان فکری اصلی (موافق، مخالف و دیدگاه میانه) در این حوزه شد. این دسته‌بندی موضوعی در شکل (۱) به صورت یک نگاهت مفهومی ارائه شده است.



شکل ۱: نگاهت موضوعی نسبت آموزه‌های اسلامی با رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از بررسی نگاشت موضوعی (شکل ۱) می‌توان مشاهده کرد که سه جریان اصلی در ادبیات مربوط به نسبت آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی ظهور یافته است. در خوشه اول، مطالعات «موافق» بر پیوند مفهومی دین و توسعه تأکید دارند و آموزه‌هایی نظیر عدالت اقتصادی، کارآفرینی الهام گرفته از باورهای اخلاقی و مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان محرک‌های بنیادین رشد مطرح می‌کنند. این جریان عمدتاً بیانات قرآنی و روایی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را به‌مثابه چارچوب ارزشی برای فعال‌سازی سرمایه انسانی و پذیرش نوآوری قلمداد می‌کند. در خوشه دوم، دیدگاه‌های «مخالف» قرار گرفته که با تحلیل تاریخی یا جامعه‌شناختی، آموزه‌های اسلامی را دارای محدودیت‌هایی در پاسخگویی به نیازهای پیچیده بازارهای مدرن می‌دانند و بر نارسایی قواعد نهادی کلاسیک مانند رباستیزی و ماهیت غیرراکد ساختارهای مالی تأکید دارند. جریان سوم اما «میانه» است؛ این دسته پژوهش‌ها هم ظرفیت‌های اخلاقی و معنوی اسلام را به‌عنوان عامل انگیزشی اقتصادی می‌پذیرند و هم ضرورت نهادسازی مدرن مطابق با اصول شریعت از جمله شفافیت قراردادها، تضمین حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های مبادله از طریق ابزارهایی مانند مضاربه و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهند.

با نگاه به این تقسیم‌بندی موضوعی، می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات حامی آموزه‌های اسلامی (خوشه اول) اغلب بر انگیزش فردی و بستر معنوی رشد تأکید دارد، اما کمتر به سازوکارهای نهادی اشاره می‌کند. در مقابل، جریان میانه (خوشه سوم) پلی میان انگیزش اخلاقی و نیاز به نهادهای کارا کشیده و چارچوبی متوازن ارائه می‌دهد که از یک‌سو ارزش‌های اسلامی را در مرکز قرار می‌دهد و از سوی دیگر قواعد حقوقی و مالی مورد تأیید شریعت را برای کاهش هزینه‌های تبادل اقتصادی برجسته می‌سازد. این نقطه تلاقی انگیزه و سازوکار نشان می‌دهد که هرگونه راهبردی برای تحقق توسعه در اقتصاد اسلامی باید هم «انگیزش درونی» را تقویت کند و هم «نهادسازی شفاف و منطبق با احکام اسلامی» را به‌عنوان زیرساختی ضروری در دستور کار قرار دهد.

۱،۱،۱. دیدگاه‌های مرتبط با ضد رشد و توسعه بودن اسلام

مناقشه اسلام و رشد اقتصادی چندبعدی است و به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که با بحث وبر (۱۹۶۸) در مورد عدم گسترش صنعتی شدن سرمایه‌داری به خاورمیانه به دلایل صرفاً مذهبی، اجتماعی و فرهنگی آغاز شد.

ماکس وبر در تحلیل انتقادی خود از نهادهای سیاسی و حقوقی مسلمانان برخلاف نهادهای جهان غرب، معتقد است که «فئودالیسم پیش‌دستانه^۱» و «پتریمونیالیسم (سلطنت موروثی)^۲ بوروکراتیک^۳ مستبدانه^۴» مشخصه‌ی خاندان‌های عباسی، ممالیک و عثمانی بود و مانع از توسعه ساختارهای قانونی منطقی، قابل پیش‌بینی و در حال تحول شد. مشکل دیگر تز وبری در رابطه با اسلام این است که نمونه کاملی از تقلیل‌گرایی جامعه‌شناختی یا جبرگرایی فرهنگی است (برانکو، ۲۰۰۷). این موارد، تمایل به مبالغه در نسبت دادن علل مشکلات به عوامل مذهبی یا فرهنگی را نشان می‌دهد که از دلایل دیگری مانند تحولات فناورانه، تغییرات در ساختار تجارت خارجی و سطوح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری غفلت می‌کنند.

مکلند (۱۹۶۱) نیز مانند وبر استدلال می‌کند که اسلام ترمزی برای رشد است، به‌ویژه کشورهایی که نظام‌های اقتصادی و اجتماعی خود را بر اساس قوانین قرآنی بنا کرده‌اند. استدلال‌های این نویسندگان مبتنی بر حقایقی با ماهیت تاریخی-توصیفی است. به طور مشابه، باریان و تونر (۱۹۷۸) نیز استدلال می‌کنند که افول اقتصادی کشورهای مسلمان نتیجه خصلت ضد سرمایه‌داری و محافظه‌کار دین اسلام یا خود دولت اسلامی است که ایستا و مستبد است.

^۱ - Prebendary feudalism

^۲ - پاتریمونیال: صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن یک خاندان پادشاهی، قدرت جابرانه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کند.

^۳ - نظام اداری پاتریمونیال-بروکراتیک: به دیوانسالاری سنتی در سیادت پاتریمونیال اشاره دارد که دارای مشخصه‌های ظاهری بروکراتیک است؛ اما به سبب سنت‌گرایی، ضعف ارتباط و استبداد شخص حاکم، دارای تمرکز و قدرت نظامی مانند بروکراسی مدرن نیست (فرخنده زاده و نجفیان رضوی، ۱۳۹۴).

^۴ - Arbitrary bureaucratic patrimonialism

بحث‌برانگیزترین قانون، تحریم قاطع بهره است. فقدان ربا یکی از ویژگی‌های اساسی نظام مالی اسلامی است (خالفاو و گونیچی، ۲۰۲۲). در این راستا، پرپور (۱۹۸۵) انتقاد بزرگی به نظام اقتصادی اسلامی وارد می‌کند و مدعی است که این نظام به انحطاط پس‌انداز و محدود کردن واسطه‌گری مالی منجر شده و در نتیجه طرفدار فقر است. چندین دیدگاه تقریباً متفق‌القول وجود دارد که کشورهای مسلمان گرفتار رکود اقتصادی و اجتماعی هستند. در واقع، این کشورها به لحاظ منابع کمبود ندارند، اما به نظر می‌رسد در دام فقر گرفتار شده‌اند که فرار از آن دشوار است.

برخی از نویسندگان (سید، ۱۹۷۸، کوران، ۱۹۹۷ و نفیسی، ۱۹۹۸) فقر کشورهای مسلمان را به خود اسلام نسبت می‌دهند. از دیدگاه آن‌ها اسلام، جبرگرایی و تاریک‌گرایی (مخالفت با روشنفکری) را تبلیغ می‌کند و برای رشد نامناسب است. علاوه بر این، برای این نویسندگان، اسلام شکلی از رابطه با جامعه را معرفی می‌کند که برخلاف مقتضیات دنیای مدرن (باز و برون‌گرا) است. اسلام به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات به ارزش‌ها و اصول دیکته شده توسط قرآن و شریعت، می‌تواند بر انتخاب‌های نهادی تأثیر بگذارد که در نتیجه تأثیر مستقیمی بر رفتار کارآفرینانه سرمایه‌گذاران و رشد اقتصادی دارد.

نویسندگانی مانند فاجینی (۲۰۰۷) توسعه‌نیافتگی کشورهای مسلمان را با مدل‌های حکومتی کشورهای عربی-اسلامی توضیح می‌دهند. فاجینی بیان می‌کند که اسلام دینی است که در زمان خود منجمد شده و طبیعتاً با مدرنیته سیاسی و دموکراسی ناسازگار است. همچنین، او نشان می‌دهد که رابطه اسلام و توسعه اقتصادی پرسشی دشوار برای پاسخگویی است. اینکه اسلام موجب انسداد توسعه اقتصادی است یا نه، تأثیری بر توانایی آن در تشخیص حق از باطل ندارد؛ به این معنا که اسلام می‌تواند عامل پیشرفت اخلاقی باشد بدون اینکه عامل پیشرفت اقتصادی باشد که به‌نوعی همان دیدگاه حداقلی نسبت به دین است. پس از آن، در سال ۲۰۱۰ او استدلال می‌کند که قانون در اسلام مبتنی بر کلام خداوند است، نمی‌توان آن را عرفی کرد؛ بنابراین در برابر تغییر و توسعه مقاوم می‌شود. شریعت اسلام محدودیت‌هایی را بر مالکیت خصوصی اعمال می‌کند و

نابرابری‌های متعددی را ایجاد می‌کند که گاه موانعی را برای دستیابی به اهداف توسعه ایجاد می‌نماید.

۱،۱،۲. دیدگاه‌های مرتبط با قابلیت رشد و توسعه در اسلام

باور غربی مبنی بر ناسازگاری اسلام با رشد و توسعه اقتصادی به طور گسترده توسط برخی از نویسندگان مورد مناقشه قرار گرفته است (بارو و مک‌کلیری، ۲۰۰۳، چاپرا، ۲۰۰۸، بوساری، ۲۰۲۴) که نشان می‌دهند اسلام به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی با توسعه همراه است. آن‌ها استدلال خود را بر اساس حقایق تاریخی استوار می‌کنند و به دوران باشکوه جهان اسلام بازمی‌گردانند که از قرون وسطی تا قرن هفدهم که انقلاب علمی، فنی و صنعتی در اروپا رخ داد، مدت‌ها بر جهان اروپا تسلط داشت.

اسلام به همه مسلمانان توصیه می‌کند که در انباشت ثروت از طریق استفاده مجاز از منابع خدادادی، فعال و سخت‌کوش باشند (رامادانی، ۲۰۱۵). علاوه بر این، اسلام فرصت‌طلبی، ریسک‌پذیری و نوآوری را در میان معتقدان خود تشویق می‌کند. اسلام همچنین به مسلمانان می‌آموزد که در فعالیت‌های تجاری به‌عنوان یک عمل معنوی و راهی برای داشتن یک زندگی با فضیلت‌تر شرکت کنند (گوموسی، ۲۰۱۵).

نویسندگانی مانند ساواجت، (۱۹۸۴) و گاردت (۱۹۷۰) به قرون فتوحات امویان (۶۶۱-۷۵۸) اشاره می‌کنند که «خلیفه» بزرگ‌ترین گسترش سرزمینی امپراتوری مسلمانان را انجام داد. این حکومت نظام‌های اداری، حقوقی، تجاری و فرهنگی را ایجاد کرد که جهان اسلام را به اوج خود رساند. آن‌ها همچنین در مورد قرون طلایی عباسیان صحبت می‌کنند که نیم هزاره (۷۵۰-۱۲۵۸) ادامه داشت. در این دوران حکومت، اسلام با مبانی دینی خود توانست عامل انسجام اجتماعی باشد و جامعه‌ای غنی و توسعه‌یافته بسازد (خالفو و گوچینی، ۲۰۲۲).

موفقیت‌های مالی اسلامی نیز یکی از استدلال‌ها با تأکید بر قابلیت رشد و توسعه در اسلام است. بانک‌های اسلامی که نظام‌های واسطه‌گری خود را بر اصول دینی استوار می‌کنند، به دنبال جایگزینی بهره با سایر اشکال و ابزارهای انعطاف‌پذیرتر و کم‌ریسک‌تر

(مشارکت، مضاربه، اجاره، صکوک و غیره) هستند. آن‌ها از نظر تجهیز سپرده مؤثر هستند و ضریب نفوذ بسیار بالایی در بازار دارند (خالفاو و گوچینی، ۲۰۲۲).

رودینسون (۱۹۶۷) در کتاب اسلام و سرمایه‌داری با طرح این سؤال که آیا کشورهای جهان سوم برای رفع عقب‌ماندگی و احراز برابری با کشورهای پیشرفته و صنعتی باید سنن و ارزش‌های دیرین خود را رها کنند؟ به نقد نظریات ماکس وبر می‌پردازد. پاسخ این سؤال طبعاً بستگی به آن دارد که سنن و ارزش‌های کهن این ملل تا چه اندازه مسئول عقب‌ماندگی آن‌ها بوده است. رودنسون می‌کوشد تا این سؤال را در مورد خاص اسلام پاسخ دهد. پاسخ او اسلام را از این تهمت پاک می‌دارد که مشوق درماندگی، نادانی و فقر در میان پیروان خود بوده است. در این راستا وی ضمن رد نظریه (وبر)، نشان می‌دهد که اسلام به مانند دین پروتستان، آموزنده تعقل، سخت‌کوشی و پاسدار شخصیت و شرف انسان و راهنمای او در اصلاح زندگی است. بکر و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی این نکته می‌پردازند که هر یک از متغیرهای تابع رشد می‌تواند توسط مذهب تقویت یا مختل شود. این ارتباط به این دلیل به وجود می‌آید که باورها، اعتقادهای دینی، اعمال مذهبی، نهادهای مذهبی و همچنین آموزه‌های دینی می‌توانند ترجیحات فردی، هنجارهای اجتماعی و نهادهای اقتصادی را شکل دهند. به‌عنوان مثال در مورد سرمایه انسانی، آموزش اسلامی و اخلاق کار، می‌تواند به تقویت آن منجر شود. اسلام بر اهمیت آموزش و تعلیم تأکید دارد که این امر به افزایش سرمایه انسانی کمک می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که آموزش اسلامی در کشورهای مسلمان تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی درازمدت دارد. آموزه‌های اسلامی مانند کار با اخلاص و امانت‌داری، محیطی سالم برای فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند که منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌شود؛ علاوه بر این اکمگلو و روینسون (۲۰۱۲) با نقد دیدگاه‌های فرهنگ‌محور مانند دیدگاه وبر، استدلال می‌کنند که تفاوت در رشد اقتصادی کشورها نه از فرهنگ یا دین، بلکه از کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی آن‌ها نشأت می‌گیرد.

۱،۱،۳. دیدگاه‌های اقتصاددانان مسلمان در مورد اسلام و رشد اقتصادی

در اقتصاد اسلامی، رشد اقتصادی به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای ارتقای زندگی خوب شهروندان است. هدف رشد و کمال انسانی است و رشد اقتصادی می‌تواند ابزاری برای نیل به این هدف باشد.

اقتصاددانان مسلمان موافقاند که آموزه‌های اسلامی محیط مساعدی را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کنند. درحالی‌که آن‌ها از اصطلاحات «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» به جای یکدیگر استفاده می‌کنند، اما در چند نکته، مانند ماهیت و نیروی محرکه این رشد اقتصادی، اختلاف نظر دارند. این نظرات متفاوت را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته طبقه‌بندی کرد:

دیدگاه دسته اول این است که توسعه به فرآیندهای اقتصادی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و پیشرفت فناوری بستگی دارد. کوریشی (۱۹۷۴) اشاره کرد که قرآن و سنت بر این عوامل تأکید دارند. سایر محققان این دسته، مانند سیدیکویی (۱۹۸۱) فرآیند توسعه را در قالب «اجتماعی کردن ارزش اضافی^۱» تجسم می‌کنند و معتقدند که اسلام انگیزه کافی برای این امر فراهم می‌کند. صادق (۱۹۸۷) معتقد است که اقتصاد اسلامی انگیزه قوی برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به رشد درآمد و ثروت دارد. برای این منظور، اسلام رهبانیت را ممنوع کرده و فعالیت‌های اقتصادی را تشویق می‌کند. وی در زمینه عوامل رشد بر نقش منابع طبیعی و انسانی و به‌ویژه فعالیت‌های تحقیق و توسعه تأکید می‌کند.

دیدگاه دسته دوم این است که فرآیند رشد و توسعه به‌وسیله دین هدایت می‌شود، زیرا نیروی محرک آن از نظام اخلاقی اسلام سرچشمه می‌گیرد و پتانسیل توسعه در بشریت نهفته است. خان (۱۹۸۹) به‌شدت بر «تحول انسان و اخلاق جامعه» تأکید می‌کند. به‌طور مشابه، احمد (۱۹۸۰) کمال را به‌عنوان یک متغیر کلیدی در رشد و گسترش می‌بیند و بیان می‌کند مفهوم توسعه باید برگرفته از مفهوم رشد یافتن انسان (تزکیه) باشد، زیرا به مسئله رشد انسان در همه ابعاد می‌پردازد و از طریق پالایش نگرش‌ها و روابط به رشد و

^۱ - Socialisation of surplus value

گسترش به‌سوی کمال می‌پردازد (اختر، ۱۹۹۳). موسوی لاری، (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که هر انسانی به دنبال رشد است. این میل به رشد، ریشه عمیقی در روحیه انسان دارد. از این رو، نظام اسلامی بر تربیت معنوی تأکید دارد که باید بالاترین هدف هر فرد و جامعه مسلمان باشد. چپرا (۱۹۹۲) معتقد است که اسلام یک نظام اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند که با اهمیت دادن به برادری و عدالت اجتماعی - اقتصادی، رفاه انسان و زندگی خوب را ارتقاء می‌دهد (حیات طیبه) و برخوردار می‌تواند از نیازهای مادی و معنوی بشریت را به همراه دارد.

بحث فوق اهمیت عامل اخلاقی را به‌عنوان عامل اصلی و تقویت فرآیند رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد. علاوه بر انگیزش معنوی و اخلاقی که به‌واسطه عبادات و محرکات الهی در اسلام فراهم می‌شود، آموزه‌های اسلامی ساختارهای نهادی مشخصی نیز برای تسهیل رشد اقتصادی پیشنهاد می‌کنند. شریعت اسلام با وضع قواعدی مانند حرمت ربا، وجوب عقود شفاف و الزام به امانت‌داری و عدالت در معاملات، هزینه‌های اطلاعاتی و چانه‌زنی را کاهش می‌دهد. نظام زکات و خمس، علاوه بر توزیع مجدد درآمد، نقش نهاد تأمین اجتماعی را ایفا کرده و ریسک فقر مطلق را کاهش می‌دهد. احکام مربوط به مشارکت مدنی (مضاربه و مشارکت) بستر حقوقی امنی برای سرمایه‌گذاری مشترک و نوآوری اقتصادی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، هم «انگیزش فردی» تقویت می‌شود و هم «هزینه‌های مبادله» از طریق قواعد و نهادهای اسلامی کاهش می‌یابد که مطابق با دیدگاه نهادگرایان، برای افزایش کارایی اقتصادی و توسعه پایدار ضروری است.

۲. تحلیلی بر آیات قرآن و احادیث مرتبط با رشد اقتصادی

در اسلام، توجه به مسائل اقتصادی نه تنها به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک تکلیف دینی مطرح شده است. قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) به‌وضوح بر اهمیت فعالیت‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت تأکید دارند. قرآن به‌عنوان کتاب هدایت، اصولی را ارائه می‌دهد که می‌تواند راهگشای رشد و توسعه اقتصادی باشد. آیات مربوط به کار و تلاش، صدقه و زکات و همچنین تأکید بر انصاف در معاملات، همگی نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی در دین اسلام هستند؛ همچنین،

روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز به طور مکرر بر لزوم کار و تلاش برای تأمین معیشت و ارتقاء سطح زندگی تأکید کرده‌اند. این بخش به اختصار بحث رشد اقتصادی از منظر قرآن و احادیث را مطرح می‌کند و سعی دارد تا نشان دهد که چگونه آموزه‌های اسلامی می‌تواند به عنوان بستر مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار در جوامع اسلامی عمل کند.

اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم رشد و شکوفایی آن در قرآن به اندازه‌ای است که امور اقتصادی و معیشتی مردم، دارای جایگاهی مهم در حد مسائل اعتقادی و عبادی دارد؛ زیرا از نظر قرآن، تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فساد انگیزی است (اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۶).

مهم‌ترین آیاتی که به بحث رشد اقتصادی و توسعه پرداخته‌اند، عبارت‌اند از آیاتی که انسان را به آبادسازی زمین (سوره هود، آیه ۶۱)، اصلاح و تغییر در خود (سوره رعد، آیه ۱۱) و نیرومند ساختن خویش (سوره انفال، آیه ۶۰) دعوت می‌کنند (خاکبان، ۱۳۷۵). برخی موانع رشد و توسعه نیز به اشاره در برخی آیات آمده‌اند؛ مانند کفران نعمت (سوره نحل، آیه ۱۱۲) که از موانع اخلاقی است و ظلم و ستم (سوره قصص ۵۹ و سوره یونس ۱۳) که از موانع اجتماعی است. از میان آفات توسعه نیز به مواردی نظیر سرکشی (سوره شوری، آیه ۲۷ و سوره علق، آیات ۶ و ۷) و از یاد بردن خدا (سوره منافقون، آیه ۹) اشاره شده و در برخی سفارش‌های اخلاقی و فقهی درباره چگونگی استفاده از اموال و نعمت‌ها مانند نهی از اسراف و تبذیر (سوره انبیاء، آیه ۹ و سوره اسراء، آیات ۲۶ و ۲۷) آمده است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰).

دین اسلام گرچه برای رشد اقتصادی، تعریف، اصول ضوابط و راهکارهای خاص خود را دارد، اما اصل مطلوب بودن رشد اقتصادی جزو مسلمات آموزه‌های اقتصادی اسلام است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او خدایی است که شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی آن واداشت.

۱- سوره هود، آیه ۶۱

حضرت علی (ع) در روایتی در تفسیر این آیه می‌فرماید: خداوند سبحان به وسیله این آیه اعلام می‌دارد که مردم را به آباد کردن زمین فرمان داده است تا در سایه آن، آنچه از زمین بیرون می‌آید مانند حبوبات، میوه‌ها و امثال آن‌ها که خداوند برای تأمین زندگانی بشر قرار داده است، زندگانی آنان را قوام بخشد!

بنابراین اصل آبادانی و رشد مستمر اقتصادی سرزمین‌های اسلامی به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه دین و اولیای دین بوده است و به همین مناسبت است که می‌بینیم امام علی (ع) در نامه‌های خود به فرمانداران و استانداران به این اصل تأکید می‌ورزد، برای مثال در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد:

بیش از آنچه درباره گردآوری مالیات می‌اندیشی، در فکر آبادی سرزمین باش و بدان که مالیات جز از طریق آبادانی به دست نیاید و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات بگیرد شهرها را ویران و مردم را به نابودی می‌کشاند!

افزون بر توجه به اصل آبادانی و رشد مستمر اقتصادی، دین اسلام به مدیریت صحیح سرمایه‌ها در سطح کلان توجه ویژه دارد و بقای جامعه را در از آن‌ها می‌داند امام صادق (ع) و در کلام زیبایی می‌فرماید:

به درستی که بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می‌دانند و می‌توانند به نحو صحیح از آن استفاده کنند و همانا فناء اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آن‌ها بهره‌برداری کنند.^۳

بر این اساس یکی از مسئولیت‌های سنگین مسئولین اقتصادی نظام اسلامی و سیاست‌گذاران مراقبت از همسویی ابزارهای مالی با رشد مستمر است. همه آشنایان با مسائل اقتصادی می‌دانند که ابزارهای مالی وسیله مناسبی برای تجهیز سرمایه‌های ریزودرشت ملی و جهت دادن آن‌ها به سمت فعالیت‌های اقتصادی خاص است. حال اگر این فعالیت‌ها همسو با رشد اقتصادی باشد ابزارهای طراحی شده در خدمت رشد خواهند

۱- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۳۴۱

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳

۳- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۱۱، ص ۵۲۱

بود؛ اما اگر فعالیت‌های مربوطه در جهت خلاف رشد باشند، ابزارهای مالی وسیله‌ای برای نابودی رشد و کمبود سرمایه در بخش‌های مولد خواهند بود؛ بنابراین دولت اسلامی در مقام تعارض بین منافع فرد و جامعه بایستی در جهت گسترش و تقویت ابزارهای مالی همسو با رشد اقتصادی سیاست‌گذاری کند (سبحانی، ۱۳۹۱).

۳. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های نوین با بهره‌گیری از رویکردهای تجربی و مدل‌سازی‌های نظری، ابعاد تازه‌ای از رابطه اسلام و رشد اقتصادی را آشکار ساخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها در این بخش مطرح می‌شود.

براتعلی‌پور (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «اسلام و توسعه اقتصادی» و هدف بررسی نسبت آموزه‌های اسلامی با توسعه اقتصادی، ابتدا تعاریف و ابعاد توسعه اقتصادی را تبیین می‌کند و سپس با تحلیل دیدگاه‌های منتقدان، به نقد این باور می‌پردازد که آموزه‌های دینی و فرهنگی اسلام مانع توسعه اقتصادی در جوامع مسلمان هستند. روش مقاله مبتنی بر تحلیل تطبیقی و انتقادی است. مهم‌ترین نتایج مقاله آن است که برخلاف دیدگاه رایج برخی منتقدان، آموزه‌های اصیل اسلامی نه تنها با پیشرفت، عقلانیت، کار و تلاش اقتصادی و توسعه تکنولوژی تعارض ندارند، بلکه بر اساس سنت‌های الهی، نقش فعال انسان، ارزش کار و تلاش، پیوند دنیا و آخرت و تأکید بر عقلانیت، زمینه‌های لازم برای توسعه اقتصادی پایدار و متوازن را فراهم می‌کنند و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را باید در عوامل تاریخی و فرهنگی و نه در ذات تعالیم اسلامی جست‌وجو کرد.

پژوهش جعفری و رحمان ستایش (۱۳۹۷) به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا آموزه‌های قرآنی مانع توسعه اقتصادی هستند یا بالعکس، می‌توان آن‌ها را مشوق و محرک توسعه دانست. روش مقاله تحلیلی-توصیفی است و با مرور شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصادی از منظر اندیشمندان، آن‌ها را با آیات قرآن تطبیق داده و شواهد قرآنی مرتبط را استخراج و تحلیل می‌کند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که برخلاف برخی دیدگاه‌های رایج، آموزه‌های قرآن نه تنها مانع توسعه اقتصادی نیستند، بلکه با تأکید بر عمران و آبادانی زمین، کار و سخت‌کوشی، مبارزه با فقر و تکاثر، نفی وابستگی اقتصادی،

رعایت عدالت اقتصادی و پرهیز از معاملات باطل، جامعه را به حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه اقتصادی دعوت می‌کند و اصول و کلیات لازم برای تحقق توسعه پایدار را در اختیار بشر قرار می‌دهد.

پژوهش احمد (۱۹۸۰) به بررسی تأثیر آموزه‌های اسلامی بر رشد اقتصادی و توسعه انسانی می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از تحلیل متون اسلامی به‌ویژه قرآن، به بررسی مفاهیم نیازهای معنوی و مادی انسان و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اسلام با ارائه اصول عدالت اجتماعی و اقتصادی، برادری و قوانین کسب‌وکار، زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند و با تأکید بر مسئولیت فردی و اجتماعی، به توسعه انسانی کمک می‌کند.

اختر (۱۹۹۳) مدلی برای رشد اقتصادی ارائه می‌دهد که شامل ترکیبی از عوامل فیزیکی (مانند منابع طبیعی و انسانی) و عوامل اخلاقی است. برخلاف مدل‌های سنتی، این مدل تأکید ویژه‌ای بر نقش ارزش‌های اسلامی در فرآیند تولید دارد. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که اسلام با ارائه آموزه‌هایی که هم نیازهای مادی و هم نیازهای معنوی انسان را پوشش می‌دهند، محیط مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند؛ بنابراین، استراتژی‌های توسعه در کشورهای مسلمان باید اهمیت عوامل اخلاقی را در کنار عوامل فیزیکی مورد توجه قرار دهند.

ریس (۲۰۲۱) با ارائه یک مدل رشد درون‌زا، اثبات کردند که سرمایه اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، از طریق ارتقای شفافیت، صداقت و انگیزش کاری، نقش بسزایی در افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی ایفا می‌کند.

مطالعه‌ی ناز و گلزار (۲۰۲۲) نشان داد که توسعه مالی اسلامی، به‌ویژه از طریق بانکداری اسلامی و انتشار صکوک، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای مسلمان دارد و می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تجهیز منابع و افزایش سرمایه‌گذاری عمل کند.

مطالعه زولهلمی (۲۰۲۴)، به بررسی مشارکت اقتصاد اسلامی در رشد و ثبات اقتصادی و تأثیر آن بر سیستم مالی جهانی می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که

اقتصاد اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی، عدالت در فعالیت‌های اقتصادی (مانند ممنوعیت ربا)، تقسیم ریسک و سود و تشویق شمول مالی، می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار کمک کند؛ همچنین از طریق زکات، انفاق و صدقه، توزیع عادلانه‌تر درآمد را ترویج می‌کند.

پژوهش بوصاری (۲۰۲۴) به بررسی دیدگاه اقتصاد اسلامی درباره رشد و رفاه، با تأکید بر مفهوم «برکت» می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از روش‌های تفسیری و کیفی مبتنی بر قرآن، حدیث و دیگر متون معتبر اسلامی نشان داد که در دیدگاه اسلامی، دستیابی به رفاه واقعی مستلزم رشد اقتصادی است که با عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، نوآوری و پایداری زیست‌محیطی همراه باشد و همچنین ابزارهایی همچون زکات و منع ربا نقش کلیدی در تضمین عدالت و رشد اقتصادی ایفا می‌کنند.

در مجموع، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اسلام ذاتاً با رشد اقتصادی تعارضی ندارد و حتی می‌تواند با تأکید بر عدالت، شفافیت، کار و تولید، بستر مناسبی برای پیشرفت اقتصادی فراهم آورد. تأثیر واقعی آموزه‌های اسلامی بر رشد اقتصادی، بیش از آنکه به خود دین وابسته باشد، به نحوه پیاده‌سازی اصول اسلامی در ساختارهای اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های کلان و سطح سرمایه‌انسانی و اخلاقی جامعه بستگی دارد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند^۱ به بررسی نسبت‌سنجی اسلام و رشد اقتصادی با تمرکز بر اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. مرور نظام‌مند یک روش تحقیق است که به منظور شناسایی، ارزیابی و ترکیب یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با یک سؤال مشخص، از یک فرآیند شفاف و قابل تکرار استفاده می‌کند (هیجینز و گرین، ۲۰۰۸). هدف از این مرور نظام‌مند، ارائه یک تحلیل جامع و مبتنی بر شواهد از دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه اسلام و رشد اقتصادی و همچنین بررسی و تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه است.

مراحل انجام مرور نظام‌مند:

^۱ - Systematic Review

۱. **تعیین سؤال پژوهش:** سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: نسبت بین آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی چگونه است و اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چه جایگاهی دارد؟

۲. **جستجوی منابع:** برای یافتن منابع مرتبط، از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر مانند Scopus, Web of Science, JSTOR و Google Scholar استفاده شده است. همچنین، موتورهای جستجوی فارسی نظیر نورمگز و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) نیز برای یافتن مقالات و منابع فارسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز پایگاه Khamenei.ir و نرم‌افزار حدیث ولایت مدنظر قرار گرفت. کلیدواژه‌های مورد استفاده در جستجو:

اسلام و توسعه، رشد اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، آیت‌الله خامنه‌ای
 ۳. **معیارهای انتخاب و غربالگری منابع:** برای اطمینان از کیفیت و ارتباط منابع، فرآیند انتخاب و غربالگری بر اساس معیارهای دقیق ورود و خروج به شرح زیر انجام شد.

الف) معیارهای ورود:

نوع منبع: تنها مقالات علمی-پژوهشی، کتب منتشر شده توسط ناشران آکادمیک معتبر و گزارش‌های پژوهشی از مراکز تحقیقاتی شناخته‌شده انتخاب شدند.

بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ میلادی برای پوشش دادن به ادبیات کلاسیک و معاصر در نظر گرفته شدند.

زبان: مقالات به زبان‌های فارسی و انگلیسی که متن کامل آن‌ها در دسترس بود، وارد فرآیند بررسی شدند.

محتوای موضوعی:

منابعی که به صورت مستقیم و تحلیلی به رابطه میان آموزه‌های اسلامی (اعم از قرآن، سنت و فقه) و رشد یا توسعه اقتصادی پرداخته‌اند.

مطالعاتی که به صورت تجربی تأثیر نهادها یا ارزش‌های اسلامی بر شاخص‌های اقتصادی را سنجیده‌اند.

آثار تحلیلی که اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای را در زمینه رشد، عدالت و اقتصاد مقاومتی بررسی کرده‌اند.

ب) معیارهای خروج:

منابع غیرمرتبط: مقالاتی که صرفاً به تاریخ اسلام، مباحث کلامی یا نهادهای مالی اسلامی (مانند بانکداری) بدون ارتباط مستقیم با رشد اقتصادی پرداخته‌اند، حذف شدند.

کیفیت پایین: مقالات منتشر شده در مجلات نامعتبر، خلاصه مقالات کنفرانسی و منابع فاقد روش‌شناسی شفاف از مطالعه کنار گذاشته شدند.

محتوای تکراری: در مواردی که یک پژوهش در قالب‌های مختلف (مثلاً مقاله کنفرانس و مقاله مجله) منتشر شده بود، تنها نسخه کامل‌تر و نهایی (معمولاً مقاله مجله) حفظ شد.

عدم دسترسی: منابعی که متن کامل آن‌ها قابل دسترس نبود، از فرآیند تحلیل نهایی حذف شدند.

ج) فرآیند غربالگری:

فرآیند انتخاب منابع در سه مرحله انجام شد:

۱. غربالگری اولیه: حذف موارد تکراری و بررسی عناوین و چکیده‌ها بر اساس معیارهای ورود و خروج.

۲. بررسی متن کامل: مطالعه کامل مقالات باقی‌مانده برای ارزیابی نهایی ارتباط و کیفیت.

۳. انتخاب نهایی: گزینش مقالات نهایی برای استخراج داده‌ها و تحلیل کیفی.

تا قبل از این مرحله، با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مربوط به موضوع در پایگاه‌های علمی، تعداد ۴۷۳ مطالعه یافت شد. پس از آن با بررسی عنوان این مطالعات و حذف عنوان‌های نامرتبط، تعداد ۱۹۵ مقاله حاصل شد (تا این مرحله مقالات با استفاده از ابزارهای جست‌وجوی پیشرفته پایگاه‌های اطلاعاتی پالایش شدند). در ادامه با بررسی چکیده مقالات (با محوریت موضوع مورد بررسی)، تعداد ۱۰۲ مطالعه که مربوط به

موضوع مطالعه بودند، مشخص شدند. با بررسی متن کامل این مطالعات، مطالعاتی معیارهای ورود را تأمین نکرده بودند، کنار گذاشته شدند؛ بنابراین پس از پالایش مطالعات بر اساس معیارهای ورود و خروج و بررسی متن کامل مطالعات، تعداد ۶۶ مطالعات برای انجام مرور نظام‌مند، انتخاب شدند.

۴. استخراج و ترکیب داده‌ها: داده‌های مورد نیاز از منابع انتخاب شده استخراج و در

یک جدول خلاصه ثبت شده‌اند. این داده‌ها شامل موارد زیر است:

دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه اسلام و رشد اقتصادی (موافق، مخالف، دیدگاه اقتصاددانان مسلمان).

مبانی نظری و استدلال‌های ارائه شده در هر دیدگاه.

تحلیل و تفسیر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مورد رشد اقتصادی.

۵. تحلیل و تفسیر یافته‌ها: یافته‌های استخراج شده با استفاده از روش مرور نظام‌مند

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این مرحله، الگوها، تفاوت‌ها و نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های مختلف شناسایی شده و تلاش شده است تا یک تصویر جامع از نسبت بین اسلام و رشد اقتصادی ارائه شود. همچنین، بیانات و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مورد رشد اقتصادی با توجه به مبانی نظری و شواهد موجود، مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته است.

با استفاده از این روش‌شناسی، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با ارائه یک تحلیل

جامع و مبتنی بر شواهد، نسبت بین آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی را بررسی نماید.

پس از بررسی نسبت آموزه‌های اسلامی با رشد اقتصادی در بخش‌های قبلی مطالعه،

در بخش بعدی به مرور نظام‌مند اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد رشد اقتصادی پرداخته می‌شود.

۵. رشد اقتصادی در اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای

در اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای، رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از اهداف ضروری برای پیشرفت کشور مطرح است. آیت‌الله خامنه‌ای ایران بارها بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و کارآمد برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب تأکید کرده‌اند و از مسئولان خواسته‌اند تا با

اتخاذ سیاست‌های مناسب، زمینه را برای رونق تولید و سرمایه‌گذاری فراهم کنند. ایشان تأکید می‌کنند که ما احتیاج داریم به رشد سریع و مستمر؛ علت هم این است که ما یک دهه عقب‌ماندگی داریم. طبعاً جبران این عقب‌ماندگی محتاج یک رشد مستمر پی‌درپی اقتصادی در میان‌مدت است. برای همین است که ما در برنامه هفتم توسعه، اولویت اصلی برنامه را گذاشتیم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰). ما بایستی به این چهار علت، حتماً دنبال رشد باشیم:

ما به طور محسوس مشکل معیشت مردمی و رفاه خانوار داریم. اگر بخواهیم فقر را برطرف بکنیم، اگر بخواهیم رفاه خانوار را در کشور رشد بدهیم، این احتیاج دارد به رشد اقتصادی.

ارتقای جایگاه ایران در اقتصاد منطقه و جهان. وقتی یک کشوری پولش ضعیف می‌شود، امکانات اقتصادی‌اش پایین می‌آید، اعتبار و جایگاهش در دنیای امروز کاهش پیدا می‌کند.

بدون یک رشد بالا، نمی‌توانیم اشتغال ایجاد کنیم برای این مجموعه عظیم جوان متخصص و دانشمند. جوان متخصص یک افتخار است اما اگر شغل نداشت یک سرافکندگی است. آن جوان کارآمد تحصیل کرده دو چیز بیشتر از ما نمی‌خواهد: اولی شغل است؛ دومی هم امکان پیشرفت علمی است.

دلیل چهارم، ممکن است فردا این همه جوان نداشته باشیم؛ ما باید کشور را برای آن روز ثروتمند کنیم. اگر آن روز کشور ثروتمند نباشد، نمی‌تواند دیگر ثروتمند بشود.

رشد اقتصادی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مفهومی فراتر از شاخص‌های متعارف اقتصادی دارد. ایشان رشد اقتصادی را همراه با عدالت و با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی کشور ترسیم می‌کنند. اندیشه ایشان در مورد رشد اقتصادی بر مفاهیمی چون درون‌زایی، عدالت‌محوری، تولید داخلی و نقش مردم و مسئولان در رشد اقتصادی تأکید دارد. در ادامه، محورهای اصلی دیدگاه ایشان در قالبی ساختارمند ارائه شده است.

۵.۱. دیدگاه کلی: رشد اقتصادی درون‌زا و برون‌گرا

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دو رویکرد متفاوت به رشد اقتصادی وجود دارد که راه‌های متفاوتی را پیش روی کشور قرار می‌دهد. نگاه اول، اتکا به ظرفیت‌های داخلی و نگاه دوم، چشم‌داشت به کمک‌های خارجی است. ایشان تأکید دارند: در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد؛ یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۱/۰۱). نگاه دوم که آیت‌الله خامنه‌ای آن را نقد می‌کنند، اتکا صرف به بیرون از مرزها برای رشد اقتصادی است: نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ می‌گوید سیاست خارجی مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند. البته که ایشان ارتباط با جهان و استفاده از ظرفیت سایر کشورها در قالب تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را نفی نمی‌کنند و در این مورد تأکید بر خودکفایی دارند: کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). به‌طورکلی آیت‌الله خامنه‌ای، اقتصاد مطلوب را درون‌زا و برون‌گرا تعریف می‌کنند: گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ما است، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰).

نگاه «درون‌زا و برون‌گرا» به رشد اقتصادی، هم در نظریه‌های توسعه و هم در تجربه‌های عملی کشورها با موفقیت اجرا شده است. به‌عنوان نمونه، اقتصاد کره‌جنوبی از

دهه ۱۹۶۰ با تمرکز بر ایجاد صنایع داخلی (رشد درون‌زا) و هم‌زمان ترویج صادرات فناوری محور (رشد برون‌گرا) توانست از یک اقتصاد کم‌درآمد کشاورزی محور به یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای صنعتی جهان تبدیل شود. مشابه این مدل را ژاپن و آلمان با سرمایه‌گذاری سنگین در پژوهش و توسعه و گسترش شبکه‌های تجاری جهانی دنبال کردند. در چارچوب اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای نیز تأکید بر ارتقای ظرفیت‌های درون‌زای تولید داخلی (از طریق حمایت از بنگاه‌های دانش‌بنیان و صنایع خرد و متوسط) به موازات باز کردن راه‌های صادرات محصولات رقابتی، بازتابی از همین رویکرد جهانی است. این هم‌راستایی نشان می‌دهد که اصول سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر «رشد درون‌زا - برون‌گرا» نه تنها با آموزه‌های اسلامی درباره خوداتکایی و عدالت اقتصادی همخوانی دارد، بلکه در عمل نیز در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته یک الگوی آزموده شده است.

۵،۲. تأکید بر ظرفیت‌های داخلی برای رشد اقتصادی

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند راه اصلی پیشرفت اقتصادی، تکیه بر مقدرات و امکانات داخلی است: آنچه بنده در دو کلمه می‌خواهم عرض بکنم این است که راه، تکیه‌ی بر مقدرات و امکانات داخلی و ظرفیت‌های خود این ملت است. ما خیلی ظرفیت داریم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۱۱). ایشان به تفصیل به ظرفیت‌های کشور برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا اشاره کرده‌اند. این ظرفیت‌ها شامل موارد زیر است:

الف) نیروی انسانی: آیت‌الله خامنه‌ای نیروی انسانی را بزرگ‌ترین ظرفیت کشور می‌دانند: یکی از ظرفیت‌های مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است؛ این یک فرصت بزرگ است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰). ایشان به جمعیت جوان، تعداد بالای دانش‌آموختگان دانشگاهی و وجود میلیون‌ها نیروی ماهر و مجرب نیز به‌عنوان ظرفیت انسانی اشاره می‌کنند.

ب) منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی: آیت‌الله خامنه‌ای منابع نفت و گاز ایران را بی‌نظیر در جهان می‌دانند و به معادن و موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور برای ترانزیت و بازار داخلی و منطقه‌ای اشاره می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰).

ج) زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری: ایشان به وجود زیرساخت‌های نرم‌افزاری مانند سیاست‌های اصل ۴۴ و سند چشم‌انداز و همچنین زیرساخت‌های فیزیکی مانند جاده، سد، پل و کارخانه اشاره دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰).

۵,۳. رشد اقتصادی همراه با عدالت

یکی از محورهای اساسی در اندیشه اقتصادی، همراهی رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی است. ایشان تأکید دارند: در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای جامعه را در برابر این موضوع حساس می‌کنند و خواستار مراقبت از افزایش فاصله طبقاتی هستند: باید مراقبت بکنید که فاصله‌ی طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند؛ این‌ها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ما است. ایشان مشخصاً به تفاوت اقتصاد مورد نظر اسلام با مدل‌های غربی اشاره دارند و معتقدند ما پیشرفت را لازم داریم، اما این پیشرفت قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

۵,۴. الزامات و لوازم تحقق رشد اقتصادی

در منظومه فکری، تحقق رشد اقتصادی پایدار مستلزم هماهنگی سه‌جانبه میان دستگاه‌های حکومتی، فعالان اقتصادی و آحاد مردم است، به‌گونه‌ای که هر یک با انجام مسئولیت‌های اختصاصی خود، زنجیره پیشرفت ملی را تکمیل کنند. در این چارچوب، دو اصل بنیادین افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری به‌عنوان محورهای اساسی رشد اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^۱ ضعف ساختاری در جذب سرمایه‌گذاری‌های مولد طی دهه‌های اخیر، همراه با بهره‌وری نازل در حوزه‌های منابع آبی، انرژی و نیروی انسانی، چالش‌های مضاعفی در مسیر توسعه ایجاد کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم تدوین چشم‌انداز راهبردی و برنامه‌ریزی بلندمدت، بر ضرورت خروج از روزمرگی و

^۱ - دو رکن اساسی اینجا وجود دارد که من اول عنوان آن دو رکن اساسی را میگویم؛ اول، افزایش سرمایه‌گذاری برای تولید.

سرمایه‌گذاری باید افزایش پیدا کند... (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰)

حرکت‌های پراکنده در سیاست‌گذاری اقتصادی تأکید دارند، به‌گونه‌ای که دستگاه‌های اجرایی با اتخاذ رویکردی نظام‌مند، از پراکندگی تصمیمات جلوگیری کنند.^۱

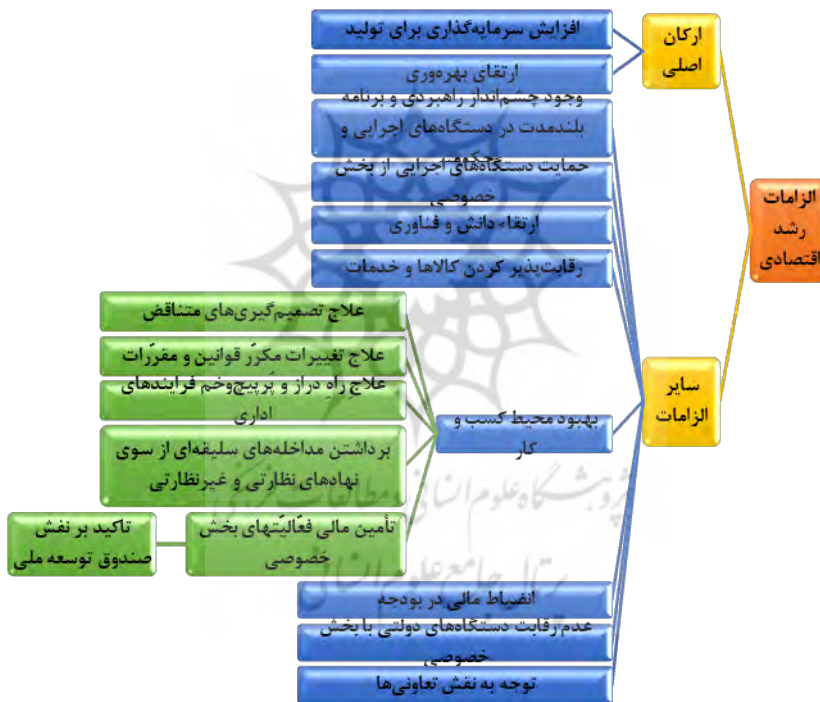
حمایت همه‌جانبه از بخش خصوصی با اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد ملی شناخته می‌شود. این حمایت می‌بایست در ابعاد مالی، حقوقی و ساختاری تجلی یابد و با رفع موانع بوروکراتیک، زمینه حضور مؤثر بنگاه‌های مردمی در عرصه تولید و خدمات را فراهم آورد. همزمان، پیشرفت دانش‌بنیان و فناوری محور از طریق تقویت مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها، به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به مرزهای نوین اقتصادی مورد توجه است. رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی نیز مستلزم ارتقای کیفی محصولات و کاهش هزینه‌های تولید است تا آثار مخرب تحریم‌ها خنثی گردد.

بهبود فضای کسب‌وکار از طریق اصلاح فرآیندهای اداری پیچیده، تثبیت قوانین شفاف و حذف مداخلات سلیقه‌ای نهادهای نظارتی، بستری برای شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. ثبات مقرراتی و وحدت رویه در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی، اعتماد بخش خصوصی را جلب کرده و از تعارضات سیاستی جلوگیری می‌نماید. تأمین مالی هدفمند بخش خصوصی از طریق مکانیسم‌های قانونی مانند صندوق توسعه ملی، همراه با اعمال انضباط مالی در بودجه‌ریزی و پرهیز از تعهدات فاقد پشتوانه، زیرساخت لازم برای رشد پایدار را فراهم می‌آورد. رفع مداخلات دولت در مدیریت بنگاه‌های اقتصادی و جلوگیری از رقابت ناعادلانه نهادهای دولتی با بخش خصوصی، از دیگر الزامات کلیدی برای ایجاد محیط رقابتی سالم محسوب می‌شود.

توجه به ظرفیت‌های داخلی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، هسته مرکزی اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد که مبتنی بر مدیریت هوشمند منابع ارزی و اصلاح

^۱ - دستگاه‌های اجرایی حکومتی برای مسائل اقتصادی - چه کل اقتصاد کشور، چه بخش‌های مختلف اقتصادی - بایستی چشم‌انداز راهبردی داشته باشند، برنامه‌ی بلندمدت داشته باشند. البته من معمولاً از مسئولین محترم سؤال می‌کنم و [آنها هم] اظهار میکنند که این برنامه را داریم. خوب اگر برنامه‌ی بلندمدت و چشم‌انداز و برنامه‌ی راهبردی وجود داشته باشد، دچار روزمرگی و حرکت زیگزاگی نمیشویم؛ این روزمرگی‌ها به همه جا خیلی ضربه می‌زند. یک روز یک چیزی را می‌گوییم، فردا آن را نقض می‌کنیم یا به یک شکلی تغییر می‌دهیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۱/۱۰).

الگوی مصرف است. عدالت در توزیع منافع اقتصادی از طریق کاهش شکاف طبقاتی و توسعه صادرات غیرنفتی با تنوع‌بخشی به سبد کالایی، جایگاه ایران را در اقتصاد جهانی ارتقا می‌بخشد. مبارزه قاطع با فساد اقتصادی به‌عنوان آفت توسعه، همراه با حمایت از تولید ملی و ارتقای بهره‌وری انرژی، چرخه اقتصاد دانش‌بنیان و مردم‌محور را تکمیل می‌کند. در این پارادایم، نقش‌آفرینی فعالانه شهروندان در فرآیندهای اقتصادی و خودکفایی در حوزه‌های استراتژیک، ضامن پویایی و استقلال اقتصادی نظام خواهد بود. موارد مطرح شده در مورد الزامات رشد اقتصادی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌اختصار در شکل (۲) مشخص شده است.



شکل ۲: الزامات و لوازم تحقق رشد اقتصادی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

۵,۵. نقش مردم در تحقق رشد اقتصادی

در ادبیات توسعه اقتصادی، نقش مشارکت مردم در فرآیند رشد، همواره به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین تحول و پایداری اقتصادی مورد تأکید صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با نگاهی راهبردی و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصاد ایران، مردم را بازیگران اصلی تحقق رشد اقتصادی می‌داند و بر ضرورت ایفای نقش فعال آنان در عرصه‌های گوناگون تأکید دارند. این رویکرد، نه تنها بر ظرفیت‌های سرمایه‌ای و کارآفرینانه مردم تکیه دارد، بلکه بر اصلاح الگوهای مصرف، اخلاق اقتصادی و ارتقای فرهنگ تولیدمحور نیز استوار است. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌هایی چون تحریم، نوسانات ارزی، تورم و رکود سرمایه‌گذاری مواجه است، فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی می‌تواند موتور محرک تولید، اشتغال و نوآوری باشد و زمینه را برای عبور از تنگنای ساختاری فراهم آورد. رهبری نقش مردم را در تحقق رشد اقتصادی بسیار مهم می‌داند و از آنان می‌خواهند:

۱. سرمایه‌گذاری در تولید: آن کسانی که قادر بر سرمایه‌گذاری هستند، سرمایه‌گذاری‌شان را متوجه تولید کنند و در تولید سرمایه‌گذاری بکنند؛
۲. مصرف محصولات داخلی: کسانی که مصرف‌کننده هستند - که همه‌ی ملت ما در واقع مصرف‌کننده‌اند - محصولات داخلی را مصرف کنند؛
۳. پرهیز از اسراف: پرهیز از اسراف؛ کسانی که اهل اسراف‌اند بدانند، این اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش که در اسلام این‌همه مذمت شده است، سرنوشت اقتصاد ملی را تعیین می‌کند؛
۴. صحت عمل در تجارت خارجی: آن کسانی که در کارهای تجارت خارجی و دادوستد خارجی هستند، می‌توانند نقش ایفا کنند؛ نقش آن‌ها هم عبارت است از صحت عمل (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

۵,۶. نسبت رشد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای با ارائه الگویی نظام‌مند، پیوند ناگسستنی بین رشد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را ترسیم می‌نماید. ایشان با تأکید بر اینکه «اقتصاد مقاومتی

یعنی اقتصادی که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند؛ هم آسیب‌پذیری اش کاهش پیدا کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۶/۰۲). چارچوبی مفهومی ارائه می‌دهند که در آن مقاومت اقتصادی نه به‌مثابه راهبردی تدافعی، بلکه به‌عنوان بستری برای تحقق رشد پایدار و تاب‌آور عمل می‌کند.

مطالعات نظری در حوزه اقتصاد توسعه، نشان می‌دهد که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار مستلزم ایجاد نهادهای تاب‌آور در برابر شوک‌های برون‌ی و درونی است. این نگاه با مفهوم اقتصاد مقاومتی در اندیشه که بر «درونزایی، برون‌گرایی، عدالت‌محوری و دانش‌بنیانی» استوار است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲)، همسویی ساختاری دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای رشد اقتصادی را در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی می‌داند: «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پایدار و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی ابلاغ شده است» (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). در این راستا چهار ویژگی کلیدی رابطه بین رشد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را بهتر نشان می‌دهد: ۱- درون‌زایی و برون‌گرایی همزمان: اقتصاد ما باید هم از درون بجوشد و هم به بازارهای جهانی متصل باشد. ۲- عدالت‌محوری: پیشرفت اقتصاد باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم. ۳- مقاومت در برابر شوک‌ها: اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که در مقابل تکانه‌های بیرونی مثل تحریم، انعطاف داشته باشد. ۴- تکیه بر ظرفیت‌های داخلی: بزرگ‌ترین ذخیره ما نیروی انسانی، منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

در ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی صراحتاً بیان شده است: با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد. این عبارت نشان می‌دهد که رشد اقتصادی یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است. بررسی ۴۰ مورد از بیانات آیت‌الله

خامنه‌ای بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد در اندیشه ایشان، مؤلفه‌های رشد اقتصادی با الزامات اقتصاد مقاومتی همپوشانی دارد. جدول (۱) این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: همپوشانی اقتصاد مقاومتی و رشد اقتصادی در مؤلفه‌ها و الزامات

مؤلفه کلیدی	نقش در اقتصاد مقاومتی	تأثیر بر رشد اقتصادی
تولید ملی	ستون فقرات اقتصاد مقاومتی	ایجاد ارزش افزوده و اشتغال
اقتصاد دانش‌بنیان	عامل پایداری مقاومت	افزایش بهره‌وری
مدیریت مصرف	کاهش وابستگی به واردات	آزادسازی منابع ارزی
حمایت از بخش خصوصی	فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی	رشد سرمایه‌گذاری و تولید
کاهش وابستگی به نفت	ختنی‌سازی تحریم‌ها	افزایش سهم صنعت در GDP

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین در اندیشه، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مسیر دستیابی به رشد اقتصادی پایدار معرفی می‌شود و این الگو با تبدیل تهدیدها به فرصت و بسیج تمام ظرفیت‌ها (نیروی انسانی، منابع طبیعی و جغرافیایی) نه‌تنها مانع رشد نیست، بلکه شتاب‌دهنده آن است. با توجه به موارد مطرح شده، به‌روشنی می‌توان دریافت که رشد اقتصادی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، نه‌تنها یک هدف ابزاری یا ثانوی، بلکه دارای جایگاهی محوری در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است. ایشان با تکیه بر مبانی دینی و واقعیت‌های اقتصادی ایران، رشد اقتصادی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پیشرفت، رفاه عمومی و اقتدار ملی می‌دانند و برای تحقق آن، برنامه‌ای راهبردی و چندلایه ارائه کرده‌اند. این برنامه بر ارکانی چون سرمایه‌گذاری، ارتقای بهره‌وری، استفاده از ظرفیت‌های داخلی، حمایت از تولید ملی و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان استوار است و به‌طور نظام‌مند، الزامات ساختاری، نهادی و رفتاری را برای دستگاه‌های حکومتی، فعالان اقتصادی و آحاد مردم تبیین می‌کند.

در این چارچوب، آیت‌الله خامنه‌ای رشد اقتصادی را جدایی‌ناپذیر از عدالت اجتماعی و مردم‌محوری می‌دانند و بر این باورند که پیشرفت اقتصادی بدون رعایت عدالت و مشارکت فعال مردم، نه پایدار خواهد بود و نه با ارزش‌های اسلامی سازگار است. توجه

ویژه ایشان به نقش مردم در سرمایه‌گذاری، مصرف کالای داخلی، پرهیز از اسراف و رعایت اخلاق در تجارت، نشان‌دهنده نگاه کل‌نگر و عملی ایشان به مقوله رشد است. بدین ترتیب، اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای، الگویی جامع و بومی برای رشد اقتصادی ارائه می‌دهد که ضمن تأمین الزامات توسعه، به عدالت، استقلال و نقش‌آفرینی مردم نیز توجهی ویژه دارد و می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی کارآمد برای پیشرفت کشور مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند، به واکاوی رابطه آموزه‌های اسلامی و رشد اقتصادی با نگاهی به اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مختلفی در مورد رابطه اسلام و رشد اقتصادی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد: دیدگاه‌های مخالف: این دیدگاه‌ها بر این باورند که اسلام به دلیل ماهیت سنت‌گرا، ضد سرمایه‌داری و مبتنی بر تقدیرگرایی، مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی است. متفکرانی چون وبر، این دیدگاه را نمایندگی می‌کنند. دیدگاه‌های موافق: در مقابل، این دیدگاه‌ها معتقدند که اسلام نه تنها مانعی برای رشد اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند بستری مناسب برای تحقق توسعه پایدار و عادلانه فراهم کند. آن‌ها با استناد به دوران باشکوه جهان اسلام و موفقیت برخی از کشورهای اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، بر این باورند که آموزه‌های اسلامی، نظیر تشویق به کار و تلاش، عدالت اجتماعی و انفاق، می‌تواند به رشد و پیشرفت اقتصادی کمک کنند. دیدگاه اقتصاددانان مسلمان: اقتصاددانان مسلمان نیز بر این باورند که آموزه‌های اسلامی محیط مساعدی را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کنند، اما در مورد ماهیت و نیروی محرکه این رشد اختلاف‌نظر دارند. برخی از آن‌ها بر نقش عوامل اقتصادی نظیر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و پیشرفت فناوری تأکید می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر، بر اهمیت عوامل اخلاقی و تحول انسان به‌عنوان نیروی محرکه اصلی رشد و توسعه تأکید دارند؛ همچنین مرور نظام‌مند مبانی نظری، شواهد تجربی و تحلیل اندیشه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای به‌روشنی نشان داده شد که اسلام و آموزه‌های آن نه تنها ضد رشد اقتصادی نیستند، بلکه

به‌طور بنیادین از پیشرفت، توسعه و آبادانی حمایت می‌کنند. آموزه‌های اسلامی با تأکید بر آبادانی زمین، کار و تلاش، مدیریت صحیح منابع، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت، بنیانی متقن برای رشد اقتصادی پایدار و متوازن فراهم می‌آورند. قرآن کریم و سنت معصومین (ع) با تشویق به تولید، جلوگیری از اسراف، حمایت از فعالیت‌های مولد و توصیه به اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، مسیر را برای ارتقای رفاه عمومی و تعالی جامعه اسلامی هموار ساخته‌اند. مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهد که در کشورهای اسلامی، توسعه نهادهای مالی اسلامی و رعایت اصول شریعت، نه تنها مانعی برای رشد نبوده، بلکه در بسیاری از موارد به افزایش سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و رشد پایدار منجر شده است؛ البته در این میان، برخی ادبیات انتقادی نیز چالش‌هایی نظیر افزایش هزینه‌های مبادله و ریسک کژمنشی در برخی عقود مشارکتی را مطرح می‌کند که نشان‌دهنده لزوم بررسی همه‌جانبه این موضوع است. در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای، رشد اقتصادی را نه یک هدف ثانوی، بلکه ضرورتی راهبردی برای اقتدار ملی، رفاه مردم و تحقق عدالت می‌داند. رشد اقتصادی در اندیشه ایشان، مفهومی فراتر از شاخص‌های متعارف اقتصادی دارد. ایشان رشد اقتصادی را همراه با عدالت و با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی کشور ترسیم می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای با ارائه برنامه‌های جامع در قالب اسناد بالادستی مانند برنامه‌های توسعه و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ارکان و الزامات رشد را به‌روشنی تبیین کرده‌اند؛ از جمله تأکید بر سرمایه‌گذاری، ارتقای بهره‌وری، دانش‌بنیان‌سازی اقتصاد، حمایت از تولید داخلی، اصلاح ساختار بودجه، مبارزه با فساد و مردم‌محوری در فرآیند رشد. در منظومه فکری ایشان، رشد اقتصادی باید همراه با عدالت اجتماعی و مشارکت فعال مردم باشد تا همزمان با پیشرفت مادی، تعالی معنوی و اخلاقی جامعه نیز تضمین گردد. بدین ترتیب، اسلام نه تنها مانع رشد اقتصادی نیستند، بلکه با ارائه چارچوبی جامع و واقع‌بینانه، زمینه‌ساز توسعه همه‌جانبه و پایدار خواهند بود.

فهرست منابع:

- براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۰). اسلام و توسعه اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، ۴۳-۶۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- جعفری، اسمر، رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۷). همخوانی آموزه‌های قرآن با عوامل پیشرفت و توسعه اقتصادی در جامعه بشری. پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۲، ۷۹-۱۱۵.
- خاکبان، سلیمان (۱۳۷۵). درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران. چاپ اول. قم: نشر حضور.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۱). گستره اقتصاد اسلامی، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: نهی از اسراف، تبذیر. چاپ سوم. قم: دارالحدیث.
- Ahmad, K. (1980). Economic development in an Islamic framework. *Studies in Islamic Economics*, 171-190.
- Akhtar, M. R. (1993). Modelling the economic growth of an Islamic economy. *American Journal of Islam and Society*, 10(4), 491-511.
- Becker, S. O. Rubin, J. & Woessmann, L. (2024). Religion and growth. *Journal of Economic Literature*, 62(3), 1094-1142.
- Branco, M. C. (2007). Family, religion and economic performance: A critique of cultural determinism. *Review of Social Economy*, 65(4), 407-424.
- Bryan, S. and Turner, A. (1978). Orientalism, islam and capitalism, *Social Compass*, 25 (3/4), 371-394.
- Busari, K. K. (2024). Economic Growth And Prosperity: Arabic And Islamic Studies Perspective. *Journal of Islamic Studies and Humanities*, 9(1), 17-38.
- Chapra, M. U. (1992). Islam and the economic challenge (No. 17). *International Institute of Islamic Thought (IIIT)*.
- Chapra, M. U. (2008). *Islam and economic development*.
- Facchini, F. (2007). Islam and economic development. *Kyklos*, 47, 3-31.
- Fardila, U. A. Imamah, F. M. & Dewi, I. S. (2020). Why Islam is the world fastest growing religious group despite of terrorism issues? An initial research of terrorism issues and Islam awareness. *JARES (Journal of Academic Research and Sciences)*, 5(1), 1-13.
- Gardet, L. (1970). *Islam, Religion and Community*, Paris: Desclée de Brouwer.
- Gümüşay, A. A. (2015). Entrepreneurship from an Islamic perspective. *Journal of business ethics*, 130, 199-208.
- Higgins, J. P. T. & Green, S. (Eds.). (2008). *Cochrane handbook for systematic reviews of interventions*. John Wiley & Sons.

- Khalfaoui, H. & Guenichi, H. (2022). Does Islam promote growth: evidence from Arab Muslim countries and non-Arab Muslim countries. *International Journal of Law and Management*, 64(2), 206-224.
- Khan, W. M. (1989). Towards an interest-free Islamic economic system. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 1.
- Kuran, T. (1997). Islam and underdevelopment: an old puzzle revisited. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)/Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft*, 41-71.
- Kuran, T. (2004). *Islam and Mammon: The economic predicaments of Islamism*. Princeton University Press.
- McClelland, D. (1961). *Intention-based models of entrepreneurship education*. The Achieving Society, The Free press, New York, NY.
- Musavi Lari, S. M. (1992). The Nature of Man and His Energies. *al-Tawhid* 4, no. 2 (November 1991 - January 1992).
- Nafissi, M. R. (1998). Reframing Orientalism: Weber and Islam. *Economy and society*, 27(1), 98-118.
- Naz, S. A. & Gulzar, S. (2022). Impact of Islamic finance on economic growth: an empirical analysis of Muslim countries. *The Singapore Economic Review*, 67(01), 245-265.
- Pryor, F.T. (1985). The islamic economic system, *Journal of Comparative Economics*, 9(2), 197-223.
- Qurayshi, M. A. (1974, May). Investment and economic development in Muslim countries.
- Raies, A. (2021). Islamic work ethics as a key engine of endogenous economic growth. *Islamic Economic Studies*, 29(2), 86-99.
- Ramadani, V. Dana, L. P. Ratten, V. & Tahiri, S. (2015). The context of Islamic entrepreneurship and business: concept, principles and perspectives. *International Journal of Business and Globalisation*, 15(3), 244-261.
- Robinson, J. A. & Acemoglu, D. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty* (pp. 45-47). London: Profile.
- Rodinson, M. (1967). *Islam et Capitalisme*. Paris, éd. Seuil.
- Sadeq, A. H. M. (1987). Economic development in Islam. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 1.(1)
- Said, E. (1978). *Orientalism*, New York, NY: Pantheon. Articulating the postcolonial, 39.
- Sauvaget, J. (1984). *Islam, what do I Know?* Paris, PUF.
- Siddiqui, M. N. (1981). *A Survey of Contemporary Literahm In Studies in Islamic Economics*, (Leicestet, UK: The Islamic Foundation).
- Zuhlilmi, M. (2024). Islamic Economics Towards Economic Growth And Stability. *THE American Journal of Humanities and Social Sciences Research*, 4, 57-66.